

نرخ مشارکت اقتصادی زنان
در اقتصاد ایران

دانشجو: سوگند مداح



عناوین

- تعاریف شاخص های بازار کار
- مقدمه ای بر حضور زنان در اقتصاد
- تاریخچه مشارکت زنان در اقتصاد ایران
- مشارکت اقتصادی زنان در سالهای اخیر
- مقایسه نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران با کشورهای خاورمیانه
- نتیجه گیری کلی
- علل تاثیر گذار بر نرخ مشارکت زنان در ایران
- منابع

شاخص های بازار کار

■ **جمعیت فعال اقتصادی:** تمام افراد در سن کار یعنی جمعیت 10 ساله و بیشتر (یا 15 ساله و بیشتر) که در هفته تقویمی قبل از هفته آمارگیری (هفته مرجع) طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده اند (بیکار) جمعیت فعال اقتصادی محسوب میشوند.

جمعیت غیر فعال اقتصادی: تمام افراد 10 ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع طبق تعریف، در هیچیک از دو گروه شاغلان و بیکاران قرار نمیگیرند، جمعیت غیر فعال اقتصادی محسوب میشوند.

نرخ مشارکت اقتصادی عبارت است از: نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) 10 ساله و بیشتر (یا 15 ساله و بیشتر) به جمعیت در سن کار، 10 ساله و بیشتر (یا 15 ساله و بیشتر) ضرب در 100.

نرخ بیکاری عبارت است از: نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال ضرب در 100.

مقدمه ای بر حضور زنان در اقتصاد



زنان با عرضه نیروی کار بالقوه شان میتوانند نقشی مؤثر در توسعه اقتصادی داشته باشند. همونطور که در کشورهای پیشرفته با رشد اقتصادی بالا زنان سهمی بزرگ از تولید را عهده دار هستند. کنار گذاشتن زنان به معنی عدم استفاده از تمامی امکانات تولیدی جامعه است که بر رشد اقتصادی و تولید کشور مؤثر واقع میشود.

تفاوت در فرصت های شغلی بین زنان و مردان در همه مناطق، در سطوح مختلف توسعه اقتصادی، انواع نظام سیاسی و مذهبی و شرایط فرهنگی و اجتماعی، کم و بیش گسترده است و این موضوع یکی از مهم ترین جنبه هایی است که بر بازار نیروی کار در سرتاسر جهان سایه افکنده است.

زنان و مردان در بازار کار از لحاظ موقعیت شغلی، نوع شغل، نرخ مشارکت و درآمد حاصل از کار با شرایط متفاوتی روبرو هستند. وجود تبعیض‌هایی مبتنی بر تفاوت جنسیتی در بازار کار، اثر منفی بر نگرش و باورهای مردان از زنان و طرز تلقی زنان از خودشان را دارد. چنین باورهایی بر میزان آموزش زنان و درآمد آنان و همچنین بر بسیاری از متغیرهای اقتصادی چون: نرخ مرگ و میر نوزادان، نرخ باروری و نرخ فقر و نابرابری درآمدی اثر گذار است.

این پندارها سبب اختلاف در مسیر آموزشی زنان و مردان میشود. به این مفهوم که جامعه و والدین تصور میکنند که دختران برای فعالیت‌هایی چون پرستاری، معلمی و... مناسب‌تر هستند. از این رو تصمیم‌گیری آنان برای آموزش فرزندان تحت تاثیر این باورها قرار میگیرد و سبب میشود که زنان در بازار کار مشاغلی با موقعیت محدودتر و پرداخت‌های کمتر اشغال نمایند و مردان به مشاغلی با موقعیت و درآمد بالاتر روی بیاورند.

تبعیض جنسیتی در مشاغل باعث عدم کارایی و انعطاف‌ناپذیری بازار کار میشود. مستثنی کردن نیمی از نیروی کار از یک شغل به معنی اتلاف منابع است.

در کشورهای کمتر توسعه یافته که در آن استفاده بهینه از منابع برای حصول به یک رشد مطلوب از اهداف برنامه ریزی‌های میان مدت و بلند مدت است، توجه به وضعیت شغلی زنان و هدایت آنان به بازار کار به منظور افزایش نرخ مشارکت آنان میتواند گامی بلند برای رشد و توسعه پایدار باشد.

تاریخچه نرخ مشارکت اقتصادی زنان در اقتصاد ایران



در سال ۱۳۳۵ نرخ مشارکت زنان در بازار کار (افراد شاغل و جویای کار) $9/2$ درصد بود و نرخ بیکاری زنان سه دهم درصد. از آن به بعد نرخ مشارکت زنان در بازار کار مرتب افزایش یافت و در سال‌های پیش از انقلاب به نقطه اوج یعنی $12/9$ درصد رسید اما نرخ بیکاری هم بسرعت افزایش پیدا کرد و در زمان سرشماری سال ۱۳۵۵ به $16/4$ درصد رسید.

بعد از انقلاب مشارکت زنان در بازار کار کاهش چشمگیری داشت و در سال ۱۳۷۵ به ۸/۲ درصد تنزل پیدا کرد، بیکاری هم افزایش یافت و به ۲/۵ درصد رسید. اما از آن به بعد نرخ مشارکت زنان در بازار کار رو به بهبود رفت و در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵ شمسی) به میزان قبل از انقلاب نزدیک شد و به ۱۲/۵ درصد رسید.

بیکاری زنان پس از پایان جنگ ایران و عراق و بخصوص در دور دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی رو به کاهش رفت و در سال آخر ریاست جمهوری او، به پایین‌ترین حد خود بعد از انقلاب رسید (۱۳/۴ درصد). پس از آن اما جمعیت بزرگی از جوانان تحصیل‌کرده وارد بازار کار شدند و این باعث شد بیکاری زنان در پایان دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی تقریباً به اوج بیکاری زنان در سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق برگردد.

با این حال باید به تغییرات جمعیتی در سه دهه اول بعد از انقلاب هم توجه کرد.

برای مثال مقایسه سرشماری سال ۱۳۵۵ با ۱۳۸۵، هر چند متوسط مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار تقریباً مشابه است اما در همان حال مشارکت زنان در سنین بین ۲۵ تا ۵۴ سال در سال ۱۳۸۵ افزایش و مشارکت زنان جوانتر از ۲۵ سال به دلیل تحصیل کاهش یافته بود و زنان بالای ۵۵ هم شرایط بهتری برای بازنشستگی یافته بودند. این روند همچنین ادامه دارد و از دهه ۱۳۸۰ به بعد مشارکت زنان بالای سی سال در بازار کار مرتب افزایش یافته است.



پس از ریاست جمهوری حسن روحانی اوضاع کمی بهتر شد و بنا بر سرشماری سال ۱۳۹۵، نرخ مشارکت اقتصادی زنان به ۱۳/۲ افزایش یافت که بالاترین میزان در شصت سال اخیر است و نرخ بیکاری زنان با اندکی کاهش به ۲۲/۶ رسید.

بخشی از این بهبود را شاید بتوان به گسترش کسب و کارهای اینترنتی مربوط دانست که به زنان امکان داده از برخی موانع سنتی، فرهنگی و حقوقی و ناامنی‌های کار گذر کرده و صاحب کار و درآمد شوند.

اینترنت به زنان خانهدار این فرصت را داده تا در پروژه‌هایی مثل مامان‌پز، از مهارت و دانش خود در امور خانه را با استفاده از این امکانات در سطح وسیعتری ارائه کنند، ساعات‌های کاری منعطفتری داشته باشند و هم زمان امور خانه را بگردانند و از کودکان نگهداری کنند.

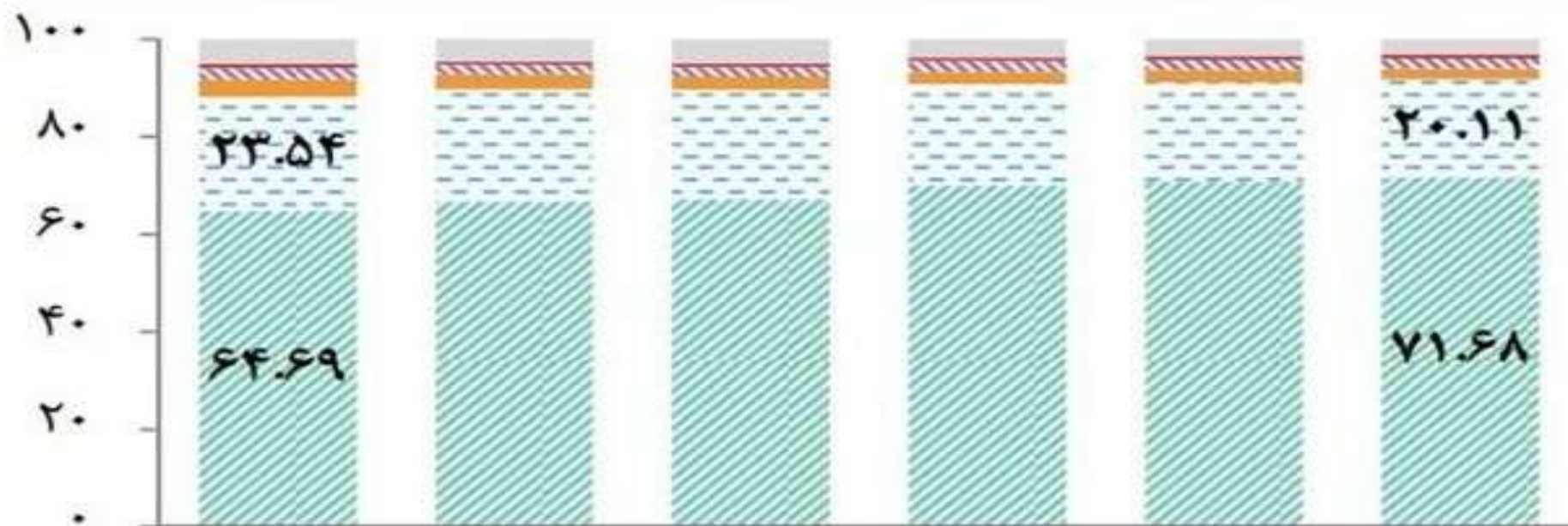


آخرین تحقیقات دکتر هادی صالحی اصفهانی در دانشگاه ایلینویز نشان می‌دهد که "ترکیب فناوری و خدمات هم به بهبود اشتغال زنان کمک کرده است مثلاً راه افتادن سرویس تاکسی اسنپ در چند سال گذشته فرصتی تازه‌ای را در قیاس با گذشته برای زنان فراهم کرده تا به عنوان راننده تاکسی مشغول کار شوند."

"توسعه بخش خدمات به عنوان بخشی از فعالیت اقتصادی هم تفاوت بزرگی برای زنان ایجاد کرده است. حتی در بخش صنعت نیز زنان عرصه‌های تازه‌ای مثل کارهای آزمایشگاهی را گشوده‌اند و در برخی موارد این آزمایشگاه‌ها را بیشتر یا حتی صد در صد زنان اداره می‌کنند."

سرشماری‌های چهل ساله گذشته نشان می‌دهند که تعداد و نسبت زنان سرپرست خانوار مرتب رو به افزایش بوده و از ۷,۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این زنان اکثراً از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ آمده‌اند و فقط ۱۸ درصد آنها موفق به پیدا کردن شغل می‌شوند. آنها معمولاً تحصیلات یا مهارت‌های کمتری دارند با این حال، سعی کرده‌اند با حمایت از یکدیگر و استفاده از شرایط خاص زندگی در شهرهای بزرگ مثل زنان دست فروش متروی تهران سرپرست خانوار باشند، از ساعت کار منعطف برخوردار شوند و فرصتی که خود در زندگی نداشتند برای فرزندانشان فراهم کنند.

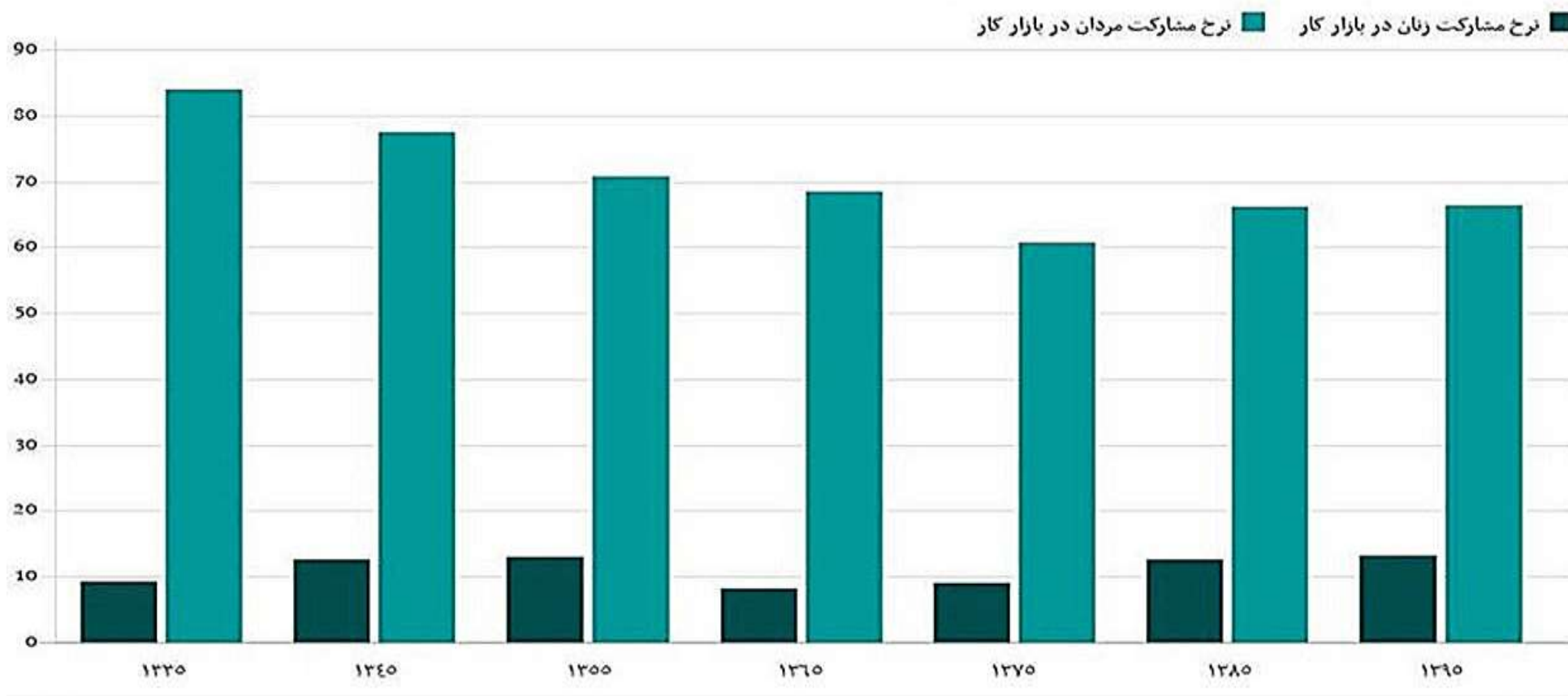
کار خانگی و نگهداری از فرزندان مسئولیتی به اندازه کافی بزرگ هست که زنان را از کار کردن بازدارد بخصوص آنکه کار چندانی هم وجود نداشته باشد. با این حال فقط یک درصد زنان غیر فعال آن را نتیجه دلسردی از یافتن کار می‌دانند. تقریباً ۶۵ درصد زنان غیر فعال، "مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی" (عمدتاً نگهداری از کودکان و سالمندان) را دلیل دلسردی از جستجوی کار می‌دانند و فقط حدود دو درصد بی‌نیازی از کار را دلیل جستجو نکردن کار ذکر کرده‌اند. نزدیک به ۲۴ درصد هم به علت تحصیل در جستجوی کار نبوده‌اند. "این اطلاعات می‌تواند مؤید تأثیر نگرش‌های ارزشی و فرهنگی در مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی باشد."



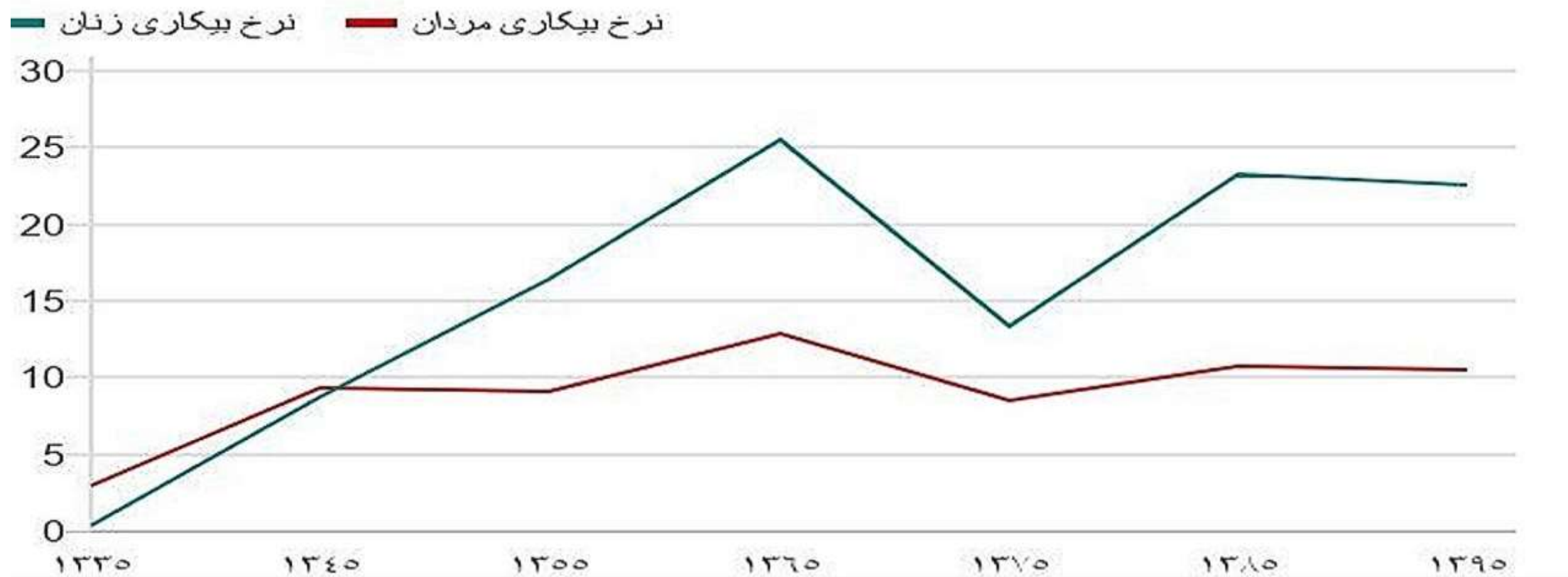
- سایر علت‌ها (در انتظار و عدم آگاهی از روش‌های کاریابی و سایر)
- دلسرد شدن از جستجوی کار، ناامید شدن از پیدا کردن کار ۵
- بی نیاز بودن از انجام کار ۱۱
- بیماری، ناتوانی جسمی موقت، بارداری ۸
- اشتغال به تحصیل یا آموزش ۹
- مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی ۱۰

مقایسه نرخ مشارکت زنان و مردان از سال 1335-

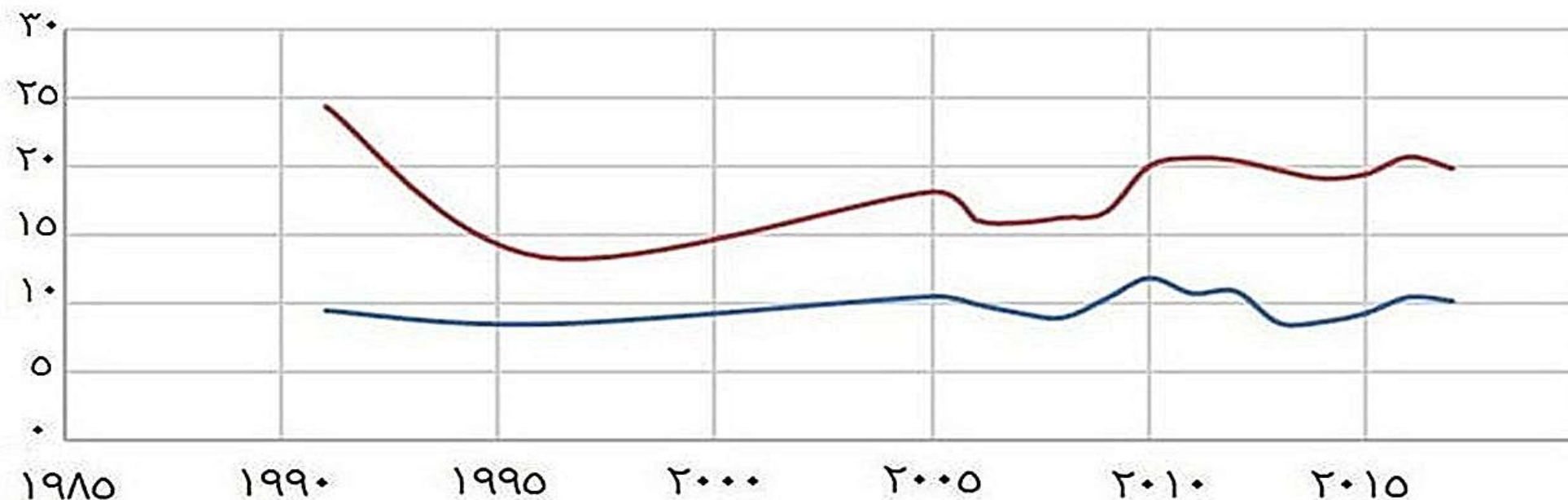
1395



مقایسه نرخ بیکاری زنان و مردان از سال 1335-1395

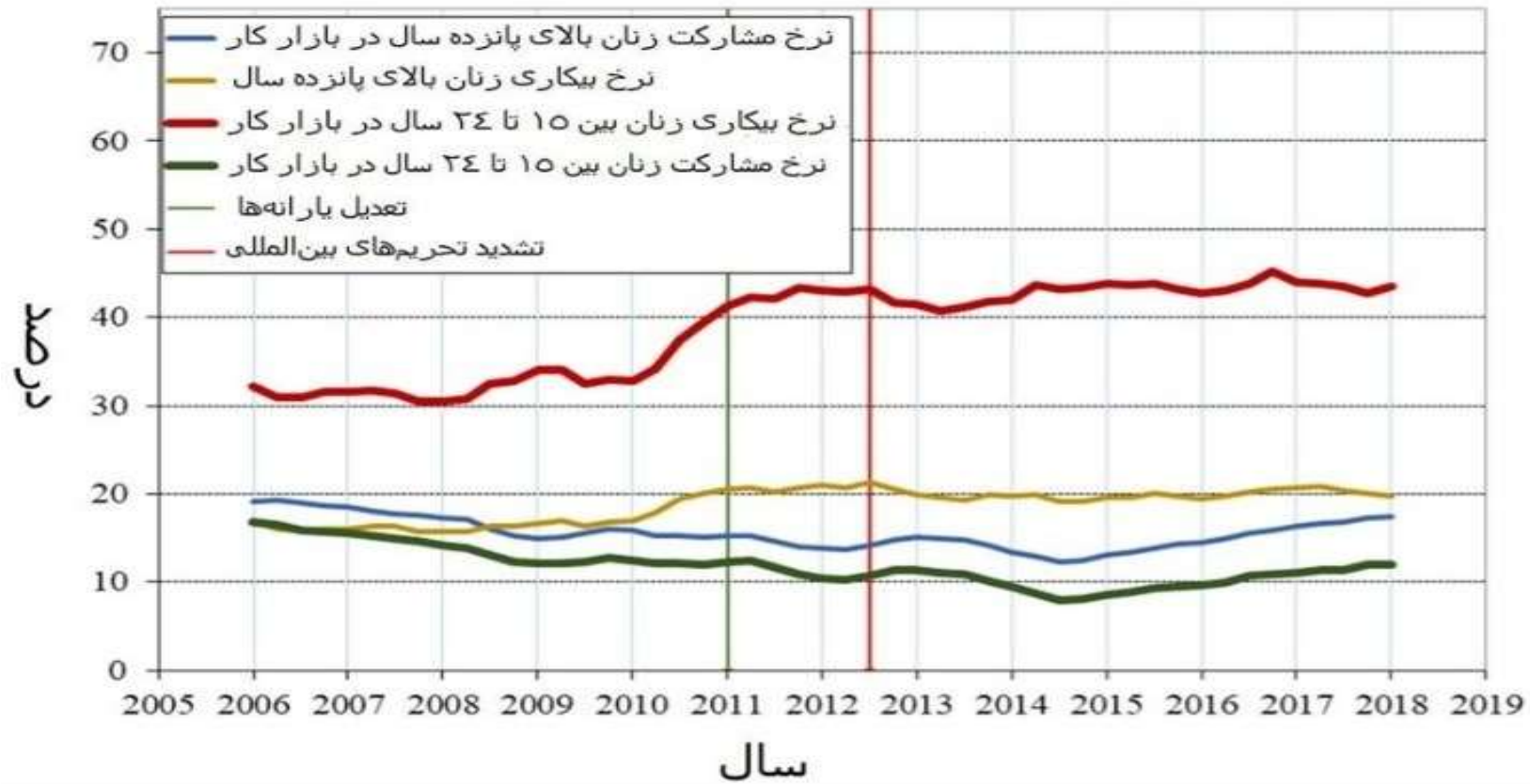


مقایسه نسبت بیکاری زنان از کل نیروی کار بامردان



- نسبت بیکاری زنان به درصد از کل نیروی کار زنان
- نسبت بیکاری مردان به درصد از کل نیروی کار مردان

نرخ بیکاری و مشارکت زنان از سال 1384-1398



نرخ بیکاری و مشارکت زنان در بازار کار ایران؛ برگرفته از تحقیقات دکتر هادی صالحی اصفهانی

در نهایت اینکه برخی از محققان تقریباً چهار درصد افزایش مشارکت اقتصادی زنان در شصت سال اخیر را ناکافی می‌دانند. در حالی که شصت و پنج تا هفتاد درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها زنان هستند، "شصت و چهار درصد دختران تحصیل کرده هرگز وارد بازار کار نمی‌شوند." و این مسئله باید مورد موشکافی بیشتر قرار بگیرد.

بررسی نرخ مشارکت اقتصادی زنان ایرانی در سالهای اخیر (98-99)

بررسی تغییر مهم ترین
شاخص های بازار کار
(بهار 98-بهار 99)

جمعیت در سن کار

• 767,589

جمعیت فعال اقتصادی

• -1,992,685

جمعیت
شاغل

1,499,2
-82

جمعیت
شاغل زن

684,773
-

جمعیت
شاغل مرد

814,50
-9

جمعیت
بیکار

493,4
-03

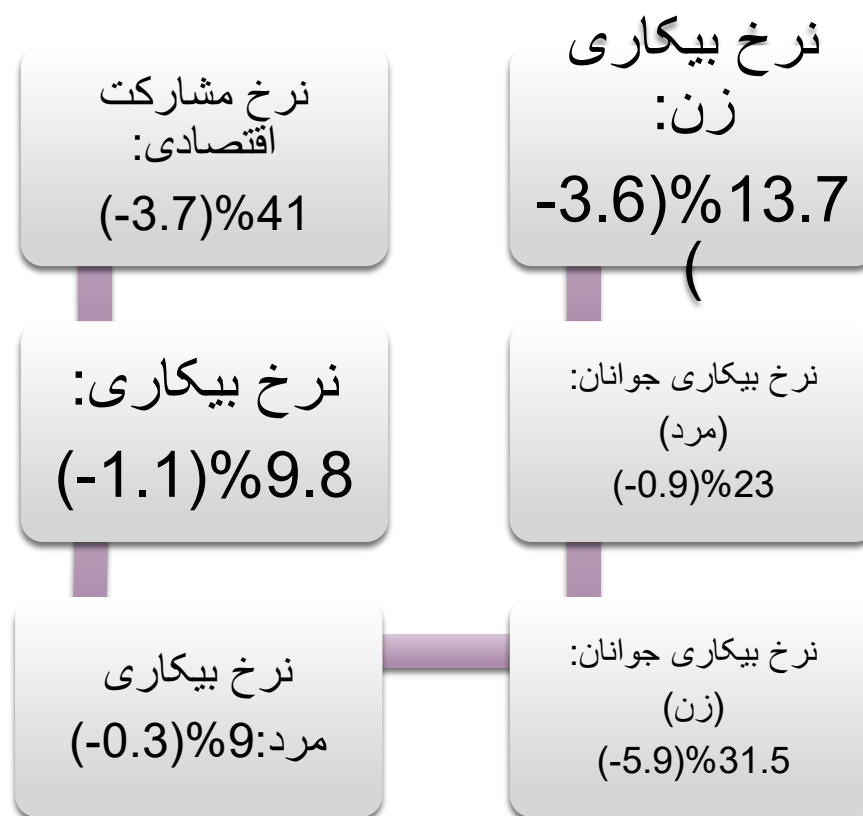
جمعیت
بیکار زن

335,89
-1

جمعیت
بیکار مرد

157,51
-1

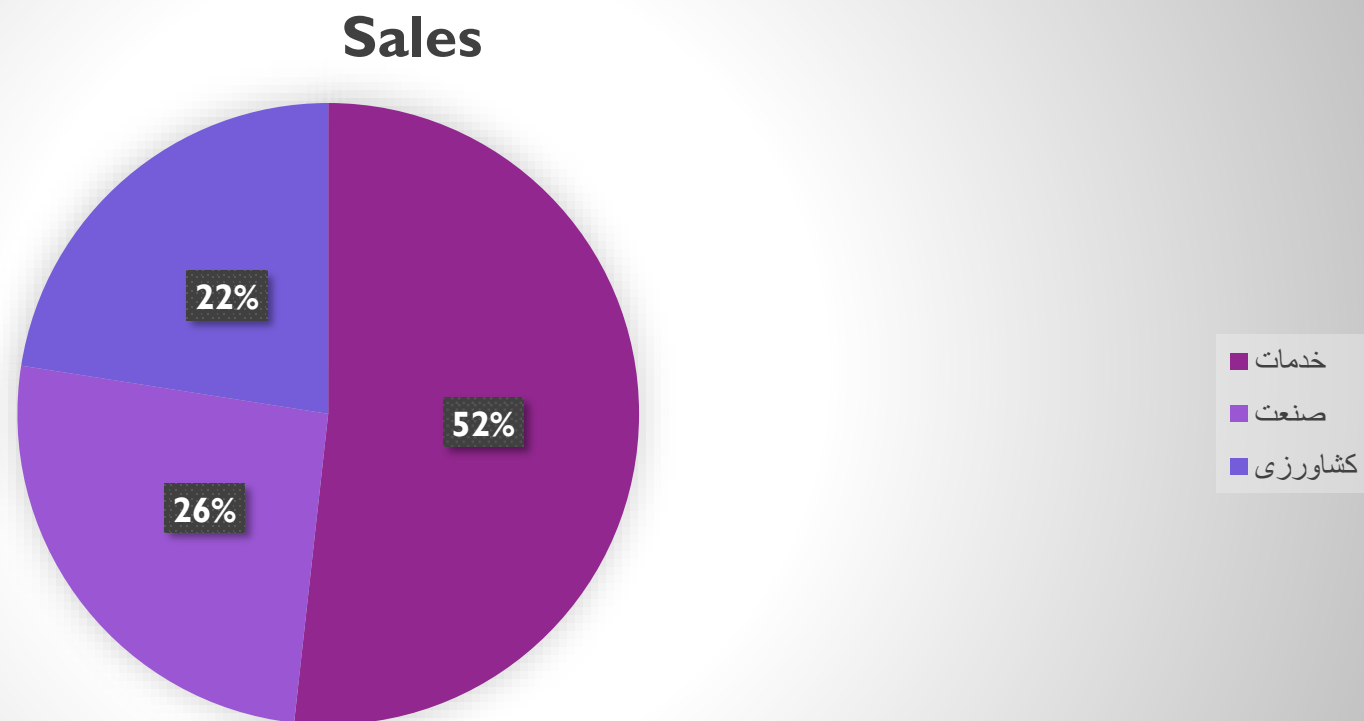
در نتیجه:



15 ساله و بیشتر												10 ساله و بیشتر			شرح
30 ساله و بیشتر			25 - 29 ساله			15 - 24 ساله			جمع			مرد و زن	مرد	زن	
مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن				
کل کشور															
17.6	76.6	46.8	26.5	89.8	59.1	11.6	42.9	27.6	17.6	72.2	44.9	16.0	65.4	40.8	نرخ مشارکت اقتصادی
بخش سهم اشتغال در															
کشاورزی															
24.6	18.4	19.6	11.9	14.7	14.2	18.5	21.0	20.6	22.5	18.2	19.0	22.7	18.4	19.1	
صنعت															
25.1	32.7	31.3	27.0	36.6	34.9	30.3	34.0	33.4	25.7	33.3	32.0	25.8	33.3	31.9	
خدمات															
50.3	48.9	49.1	61.1	48.6	50.8	51.2	45.0	46.0	51.7	48.5	49.1	51.5	48.4	48.9	سهم اشتغال در بخش
خصوصی															
76.1	85.9	84.1	84.6	91.3	90.1	91.3	92.2	92.1	78.3	87.2	85.6	78.4	87.2	85.6	
عمومی															
23.9	14.1	15.9	15.4	8.7	9.9	8.7	7.8	7.9	21.7	12.8	14.4	21.6	12.8	14.4	
نرخ بیکاری															
10.7	5.3	6.3	35.8	16.3	20.6	42.9	21.8	26.1	18.2	8.6	10.5	18.2	8.6	10.4	
شهری															
16.5	75.2	45.6	27.9	89.0	59.3	11.4	39.3	25.7	16.9	70.6	43.8	15.4	64.2	39.9	نرخ مشارکت اقتصادی
بخش سهم اشتغال در															
کشاورزی															
5.8	7.7	7.4	1.1	5.5	4.7	3.8	7.6	7.0	5.0	7.4	7.0	5.1	7.5	7.1	
صنعت															
27.6	35.3	34.0	26.3	37.8	35.7	25.6	37.2	35.4	27.3	35.7	34.3	27.4	35.7	34.3	
خدمات															
66.5	57.0	58.6	72.6	56.7	59.5	70.6	55.2	57.6	67.6	56.8	58.7	67.5	56.8	58.6	سهم اشتغال در بخش
خصوصی															
67.5	82.9	80.3	81.7	89.8	88.4	89.1	90.4	90.2	71.0	84.4	82.1	71.1	84.4	82.1	
عمومی															
32.5	17.1	19.7	18.3	10.2	11.6	10.9	9.6	9.8	29.0	15.6	17.9	28.9	15.6	17.9	
نرخ بیکاری															
13.4	5.9	7.3	39.2	18.3	23.1	50.7	24.2	30.0	22.1	9.4	11.8	22.0	9.4	11.8	
روستایی															
21.2	81.4	50.8	22.1	92.2	58.5	12.1	53.1	33.1	19.7	77.3	48.4	17.8	69.1	43.5	نرخ مشارکت اقتصادی
بخش سهم اشتغال در															
کشاورزی															
67.0	50.3	53.9	46.4	40.3	41.3	44.0	47.1	46.6	62.8	48.7	51.5	62.9	49.0	51.8	
صنعت															
19.3	25.0	23.8	29.1	33.5	32.8	38.3	27.9	29.7	22.0	26.5	25.6	22.1	26.3	25.4	
خدمات															
13.7	24.6	22.3	24.5	26.2	25.9	17.7	25.0	23.8	15.2	24.9	22.9	15.1	24.7	22.8	سهم اشتغال در بخش
خصوصی															
95.4	94.9	95.0	93.7	95.5	95.2	95.0	95.7	95.6	95.2	95.1	95.1	95.2	95.1	95.2	
عمومی															
4.6	5.1	5.0	6.3	4.5	4.8	5.0	4.3	4.4	4.8	4.9	4.9	4.8	4.9	4.8	
نرخ بیکاری															
3.7	3.7	3.7	22.0	10.3	12.4	21.5	16.6	17.5	7.8	6.2	6.6	7.8	6.2	6.5	

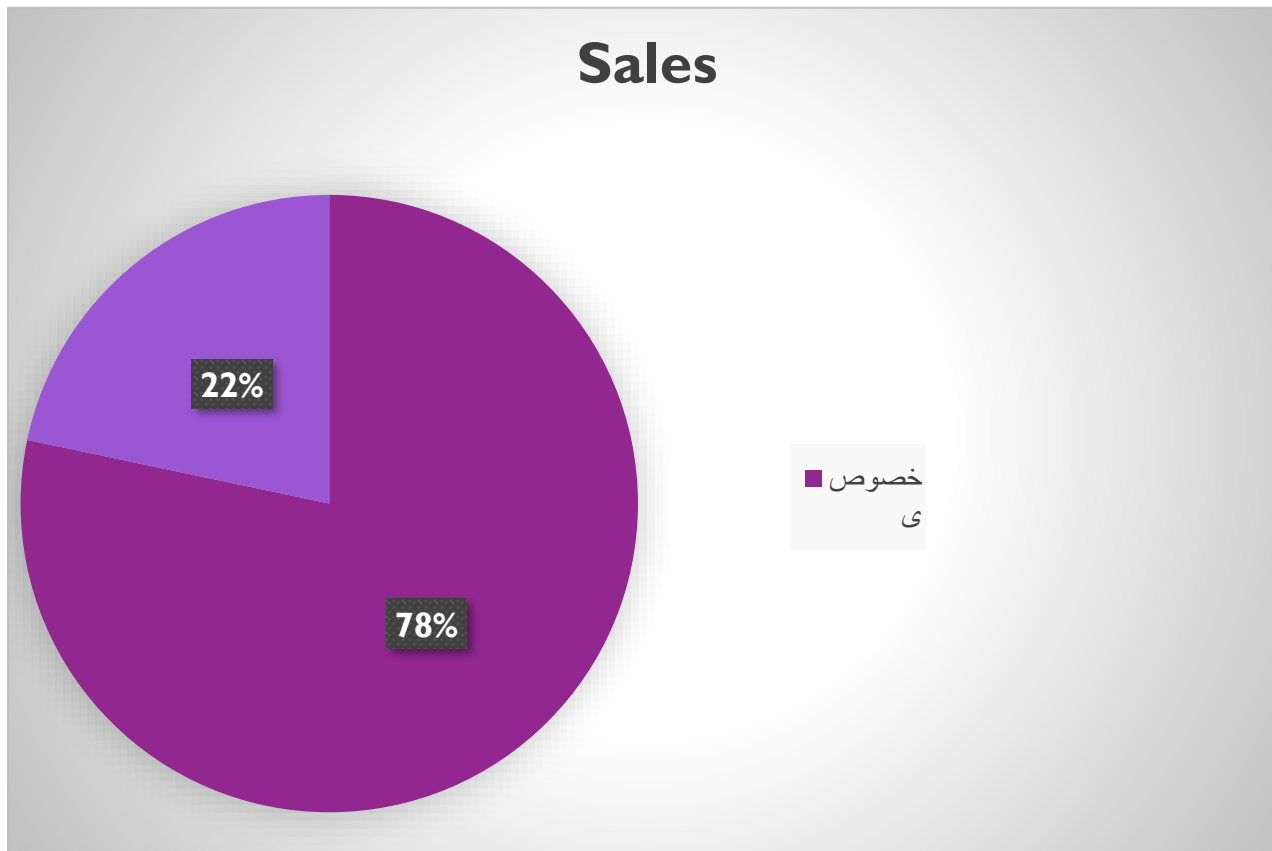
باتوجه به جداول صفحه قبل مشاهده میشود که در هر سه گروهی سنی زنان، نرخ مشارکت اقتصادی با تفاوت زیادی از مردان کمتر است.

درصد مشارکت زنان در بخش های عمده اقتصادی



%

+ سهم اشتغال زنان در دوبرخس اقتصادی (خصوصی_دولتی)



نرخ مشارکت کل اقتصادی:

نرخ مشارکت اقتصادی مردان:

مقایسه نرخ مشارکت اقتصادی زنان ایرانی با زنان کشورهای خاورمیانه

1. قطر=87%
1. قطر=58%

1. قطر=95%

2. امارات=80%
2. کویت=47%

2. امارات=92%

3. بحرین=72%
3. بحرین=44%

3. بحرین=87%

4. کویت=69%
4. امارات=41%

4. کویت=84%

5. عربستان=56%
5. ترکیه=32%

5. عربستان=79%

6. ترکیه=52%
6. لبنان=23%

6. عراق=74%

7. مصر=48%
7. مصر=22%

6. مصر=74%

8. لبنان=47%
7. عربستان=22%

7. ترکیه=72%

9. عراق=46%
8. عراق=19%

8. لبنان=71%

10. ایران=44%

8. ایران=71%

نتایج چند از جداول و

آمارها:

اما ما نمی‌توانیم تنها با مرور نرخ مشارکت زنان، به تصویر کامل و روشنی از سهم آنها در [اقتصاد کشور](#) دست یافت. در کنار نرخ مشارکت زنان، باید دید که وضعیت نسبی مشارکت آنها در مقابل مردان به چه صورت بوده است. نرخ مشارکت مردان در بازه‌ای که مرور شد-به خصوص از سال 98-75 به صورت کلی روندی صعودی داشته است، اما می‌توان گفت سرعت رشد نرخ مشارکت مردان کمتر از سرعت رشد نرخ مشارکت زنان بوده است؛ به طوری که در سال های 1375 (اوج کاهش مشارکت زنان) نرخ مشارکت مردان 60.8 درصد بوده است و طی روندی صعودی این نرخ در سال 99 به 72.2 درصد رسیده است. البته باید به این نکته توجه داشت یکی از دلایل سرعت رشد مشارکت مردان، بالا بودن نرخ آنها به صورت مطلق است. حال می‌توان با مقایسه نسبت مشارکت مردان به زنان، توضیحی بهتر از مقایسه این دو گروه ارائه داد. شاخص «نسبت مشارکت اقتصادی مردان به زنان» طی این بازه روندی کاهشی داشته است؛ این موضوع نشان می‌دهد زنان توانسته‌اند حضور خود را در اقتصاد دیکته کنند. در حالی که در سال 1375 حضور مردان در اقتصاد بیش از 6 برابر حضور زنان بوده است، طی این چند دهه این [شاخص](#) با روندی کاهشی به چهار برابر در سال 99 رسیده است. از مهم‌ترین عواملی که در مورد افزایش مشارکت زنان در اقتصاد از آن یاد می‌شود، افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری، افزایش نرخ ورود زنان به تحصیلات ابتدایی و دانشگاه‌ها، [ارتقای سطح](#) استاندارد زندگی و در ضمن نیاز به افزایش درآمدهای خانوار و تحولات [فرهنگی و اجتماعی](#) است.

در کشور های خاورمیانه اگرچه زنان بیشتر از مردان به دانشگاه می‌روند، اما **نرخ مشارکت زنان** در نیروی کار در مقایسه با سایر کشورهای جهان بسیار پایین است. گزارش‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که **نرخ مشارکت اقتصادی زنان** در ایران حتی از زنان سعودی و کشورهای جنگ زده هم پایین‌تر است. و همانطور که مشاهده شد در خاورمیانه قطر، امارات، بحرین بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی را داشته و میزان مشارکت زنان در اقتصاد قطر، کویت، بحرین بیشترین رتبه ها را در میان کشورهای خاورمیانه دارا هستند.

آمارها نشان می‌دهد با اینکه وضعیت زنان در حوزه اقتصاد در کشور تا حدودی نسبت به دهه‌های قبل بهبود یافته است، اما هنوز فاصله بسیار معناداری با کشورهای پیشرفته و حتی کشورهای در سطح ایران دارد. در حالی که نرخ مشارکت زنان در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند ژاپن، نروژ و کانادا حدود 50 تا 60 درصد است، طبق این آمار در سال 2019 نرخ مشارکت زنان در ایران 16.8 درصد بوده است. این نرخ در ترکیه که بیشتر به اقتصاد ایران مشابهت دارد، 33.5 درصد است که حدوداً دو برابر شاخص ثبت شده در ایران است. این در حالی است که نرخ مشارکت مردان در کشور تقریباً برابر با این کشورهاست. از طرفی نرخ بیکاری زنان در ایران نیز بسیار بالاتر از این کشورهاست. نرخ بیکاری زنان ایرانی 18.2 درصد اعلام شده است؛ این نرخ حدود 10 برابر نرخ بیکاری زنان ژاپنی و 5.7 برابر نرخ بیکاری زنان نروژی است. نرخ بیکاری زنان مالزی 3.6 درصد است که کمتر از یک‌پنجم نرخ بیکاری زنان ایرانی است. تمامی این آمارها نشان می‌دهد، ایران هنوز فاصله زیادی تا رسیدن به سطح استاندارد جهانی در حوزه اقتصاد زنان دارد.

بررسی علل تاثیر گذار بر مشارکت اقتصادی زنان در ایران

1. وضعیت زناشویی:

از عوامل موثر بر میزان مشارکت زنان در اقتصاد ایران وضعیت زناشویی آنهاست.

احتمال مشارکت زنان مطلقه، هرگز ازدواج نکرده و بیوه به ترتیب 4.4، 6.6، 11 بیشتر از زنان متاهل است. چون زنان متاهل عموم هزینه هایشان توسط همسرشان تامین شده و نیاز کمتری به کسب درآمد دارند.

علاوه بر آن مسئولیت سنگین خانه داری و نگه داری از بچه ها همراه با عدم تمایل بسیاری از مردان نسبت به کار کردن همسرشان در بیرون از منزل، از عوامل موثر کاهش احتمال مشارکت زنان متاهل در بازار کار است.

در جامعه ایران با افزایش سن ازدواج و افزایش آمار طلاق نشان از افزایش نرخ مشارکت زنان در سالهای آتی دارد.

2. افزایش درآمد واقعی سایر اعضای خانواده:

افزایش میزان درآمد واقعی اعضای خانواده تاثیر منفی بر مشارکت زنان در اقتصاد دارد زیرا با افزایش درآمد واقعی رفاه خانواده نیز افزایش میابد و نیاز به دستمزد حاصل از کار زن کمتر میشود.

این اثر همان اثر درآمدی است که باعث کاهش عرضه نیرو کار میشود.

البته عکس این موضوع نیز صادق است.

3. سطح تحصیلات:

با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان از متوسطه به بالا احتمال مشارکت آنها در اقتصاد افزایش میابد.

احتمال مشارکت زنان دارای تحصیلات متوسطه در بازار کار 7.3 درصد و زنان دارای آموزش عالی 51 درصد بیشتر از زنان بی سواد یا دارای تحصیلات ابتدائی میباشد.

والبته در جامعه شهری ایران موقعیت شغلی برای زنانی که دارای تحصیلات عالی هستند نیز فراهم تر میباشد.

زنانی که دارای تحصیلات عالی هستند حتما همسران آنها نیز دارای تحصیلات عالی هستند و اگر مجرد هستند خانواده موافقت بیشتری برای ورود آنان به بازار کار دارد و در نتیجه موانع فرهنگی برای کار کردن زنان کمتر میباشد.

افزایش سطح تحصیلات زنان در مقاطع آموزش عالی احتمال افزایش مشارکت زنان در اقتصاد را در سالهای آتی به همراه دارد.



4. نرخ بیکاری :

روند روبه رشد نرخ بیکاری یکی از عوامل کاهش نرخ مشارکت اقتصادی زنان در این سالهاست. به ویژه اینکه اکثریت زنان شهری دارای تحصیلات عالی هستند و با مردان دارای درحال تحصیل رقابت میکنند.

افزایش قابل توجه نرخ بیکاری در بین افراد دارای آموزش عالی از مشکلات جدی در راه اشتغال زنان در جامعه شهری ایران است.

اگر نرخ بیکاری در سالهای آتی ادامه پیدا کند میتواند تحدیدی جدی برای اشتغال زنان در ایران باشد. بالا بودن نرخ بیکاری و محدودیت شغلی برای زنان انگیزه ادامه تحصیل را برای دستیابی به شغل بهتر در آینده را افزایش داده و این باعث کاهش نرخ مشارکت آنان میشود.

منابع

مقاله: مدلی برای تبیین نرخ مشارکت اقتصادی زنان و تحولات آینده_ لادن نوروزی
پایگاه سری زمانی بانک مرکزی
سایت آمار ایران
سایت روزنامه اقتصاد